می‌رفت این‌بار دیگر بازگشت به کلاس‌های درس مقدور باشد اما تا همین لحظه هیچ تماس، اطلاع و حکمی برای بازگشت دانشجویان تعلیقی و اخراجی توسط ریاست دانشگاه گیلان صورت نگرفته است. آنها توضیح می‌دهند که در روزهای پس از استقرار دولت فعلی، تعداد زیادی تعلیقی ومحرومیت از تحصیل در دانشگاه گیلان رخ داده است. طبق گفته این دانشجویان، تعداد ۴۰۰ دانشجو در سال ۱۴۰۱ تعلیق شدند و در شهریورماه در یک دانشکده حدود ۲۰ تا ۴۰ دانشجو با همین احکام روبه‌رو شدند. به گفته یکی از فعالان دانشجویی این دانشگاه، تعدادی از دانشجویان اخراجی و محکومان انضباطی دانشگاه گیلان، با دلایل آموزشی مثل اتمام سنوات، تخلفات آموزشی اما در واقع با دلایل انضباطی، محروم و اخراج شدند: «طبق گفته‌های تعداد زیادی از دانشجویان دانشگاه گیلان، پس از عفو عمومی رهبری، تعداد زیادی بخشیده شدند اما پس از این عفو همان نفرات بنا به دلایل من‌درآوری، دوباره به کمیته انضباطی و حراست احضار و محروم از تحصیل برای یک الی دو ترم شده‌اند.»

دانشگاه علوم پزشکی مشهد

دانشجویان علوم پزشکی مشهد درباره لغو احکام می‌گویند که باتوجه به گذشت زمان، احکام اغلب از زمان اجرایی خودش گذشته بود و دانشجویان دوره محکومیت خود را سپری کرده بودند. از طرف دانشگاه وعده‌های بسیاری داده شد و همچنان هم در موارد جدید ادامه دارد اما آن‌چه در بدنه مدیران فعلی دیده می‌شود نوعی بی‌عملی، احتیاط و تعلل تعمدی است. ساختاری که در اعطای احکام بسیار جدی و گشاده دست بود، برای لغو آنها خساست به خرج می‌دهد.

به گفته آنها موارد جدیدی از احضار و محکومیت هم به‌دلیل فعالیت مجازی دانشجویان وجود دارد که روی کاغذ در شیوه‌نامه‌ی فعلی ممنوع شده اما به بهانه‌ی عطف به ماسبق، محکومیت دانشجویان ادامه دارد؛ به‌گفته آنها گرچه اکثراً تعلیقی و همراه با امضای تعهدات و به‌اصطلاح توبه‌نامه احکام را صادر می‌کنند که به بی‌عملی و ترس در فضای دانشگاه منجر شده است. موارد تعهدات دانشجویی که در سال‌های قبل هم اخذ شده حتی بعد از دستور اخیر وزیر بهداشت نیز برقرار است و مداخله‌ای از سوی این وزارتخانه جهت پیگیری این مشکلات انجام نشده است. به این دلیل و دیگر مشکلات، فضای حاکم بر دانشگاه ترسیده و دانشجویان و اساتید از فعالیت‌های دانشجویی‌وفرهنگی هراس دارند. آنهامی گویند باتوجه به همین رویه و محدودیت‌های زیاد در فعالیت‌های دانشجویی و تشکل‌های مختلف، برخی فعالان فعلی و ادوار دانشگاه با شناسایی برخی مشکلات در قالب نامه‌ای خطاب به وزیر بهداشت خواستار تغییرات اساسی در تیم مدیریتی و اجرایی دانشگاه شدند اما با وجود شعارهای دولت و خوشبینی به تیم جدید مدیریتی وزارت بهداشت با بی‌عملی این وزارتخانه در ایجاد تغییرات و حتی پاسخگویی به نهادهای دانشجویی روبه‌رو شدند.

دانشگاه علوم پزشکی شیراز

دانشجویان این دانشگاه هم روایتی درباره وضعیت فعلی رفع تعلیق‌های دانشجویی دارند که طبق آن از آنجایی که اعتراضات و شدت تجمعات و شعارها در دانشکده پزشکی بیشتر بود، سایر دانشکده‌ها بیشتر احکام مشروطی دریافت کردند که در صورت تکرار تخلف تعلیق یا محروم از تسهیلات رفاهی می‌شدند اما برای رشته‌های دانشکده‌های علوم پزشکی، احکام تعلیقی بیشتری صادر شد. یکی از دانشجویان این دانشگاه می‌گوید که بعد از دستور آقای پزشکیان در دانشگاه علوم پزشکی، با دانشجویانی که اغلب از رشته‌های پزشکی بودند، تماس‌هایی گرفته و بیشتر آنها توانستند انتخاب واحد کنند اما با دانشجویانی که احکام مشروطی داشتند، تماسی گرفته نشده است: «دانشجویانی که احکام‌مشروطی داشتند، باید‌منتظر انتخابات‌نهادهاوتشکل‌های دانشجویی باشند تا بدانند این احکام مشروطی ملغی شده و افرادی که شامل این احکام بودند، تایید صلاحیت می‌شوند یا خیر؟» دانشجویان این دانشگاه از فضای فعلی فعالیت‌های دانشجویی در آن می‌گویند که به گفته آنها در خود دانشگاه علوم پزشکی شیراز رویه‌ای پادگانی وجود داشت و تنها نهادهای کنشگر سیاسی، اقلیتی خاص بودند و سایر نهادهای دانشجویی یا غیرفعال و معلق شده بودند یا اعضا مدام تهدید می‌شدند و از مجموع ۲۸ شورای صنفی، در دوره قبلی مجموع شورای صنفی به‌نصف حدنصاب هم نرسید.

چهره دانشگاه را به وضع سابق برگردانید

به‌تازگی ۳۱ تشکل دانشجویی نامه‌ای خطاب به وزیر علوم و وزیر بهداشت نوشته و در آن درخواست لغو احکام انضباطی و حق تشکل‌یابی دانشجویان را مطرح کرده‌اند. در بخشی از این نامه نوشته شده است: «آنچه بیشتر از شیوه‌نامه در ۱۴۰۱ و دو سال پس از آن موجب آزردگی دانشگاه و دانشگاهیان شده است، برخوردهای غیرقانونی با دانشجویان است. برخوردهایی که در ظاهر مستند به شیوه‌نامه‌اند، اقدامات غیرقانونی شوراهای انضباطی دانشگاه‌ها ازجمله رسیدگی غیرحضوری بدون ابلاغ به دانشجو، عدم ابلاغ احکام، ابلاغ تلفنی و استنکاف از تسلیم رأی کمیته به دانشجو، رعایت نکردن مواعد زمانی مصرح در شیوه‌نامه، خروج از بی‌طرفی کمیته‌ها، استناد به گزارشات حراست بدون اتکا به دلیل و مدرک، منع تسهیلات رفاهی پیش از قطعیت احکام و مواردی از این دست، همه‌وهمه چهره دانشگاه را مکدر کرده و باعث ناامیدی و خشم جمع کثیری از دانشجویان و اساتید از وضع موجود است؛ لذا انتظار می‌رود در نخستین اقدامات خود و در حداقلی‌ترین تغییرات ممکن، چهره دانشگاه را به وضع سابق اعاده کنید.»

نگاه پژوهشگر

آزمونی دیگر برای عدالت در پرونده ۲ خبرنگار

چرا حق الهه و نیلوفر آزادی است؟

عمادالدین باقی
نویسنده و پژوهشگر حقوق بشر

من گمان می‌کنم سکانداران محترم قضا درس جامعه‌شناسی حقوق نخوانده و از بینش جامعه‌شناسی حقوقی محرومند زیرا جامعه‌شناسی حقوقی به خوبی می‌آموزد که قانون، قضا و عدالت، امری انتزاعی نبوده و در عالم خلأ به وجود نمی‌آید و اجرا نمی‌شود. قانون، قضا و عدالت در پیوند وثیقی با وجدان جمعی و انتظارات و شرایط اجتماعی اعتبار پیدا می‌کنند و توجه (نه تبعیت بلکه یافتن حقایق احتمالی) به نقدها و نوشته‌های حقوقدانان، وکلا و رسانه‌ها، اساساً بخشی از فرآیند عدالت است. بعضی از مسئولان قضایی گمان می‌کنند قاطعیت قضایی یعنی بدون توجه به آثار حکم، جمود بر اجرا داشته باشیم. درحالی که اجرای برخی از مجازات‌ها (مانند مجازات اشرار با رعایت همه قیود قانونی و اخلاقی) باعث احساس امنیت و رضایت در جامعه می‌شود و این احساس امنیت خودش مصداقی از تحقق عدالت است، برعکس اجرای برخی از احکام موجب آزردگی خاطر وجدان عمومی و لااقل بخش مهمی از جامعه که حساس و پیگیر موضوعات هستند، می‌شود ولو اینکه اقلیتی هم ممکن است از آن استقبال کند اما مانند مورد قبلی، اجماعی روی آن نیست و احساس خشنودی و امنیت را ایجاد نمی‌کند. به‌نظر می‌رسد مسئولان قضایی اساساً پیامدهای احکام را رصد نمی‌کنند تا برای مثال ببینند وقتی که خبر نقض حکم اعدام خانم شریفه محمدی یا نقض حکم شروین حاجی‌پور و توماج صالحی منتشر می‌شود، چه بازتاب مثبت و امیدبخشی در جامعه دارد و برعکس وقتی اخبار بعضی از بازداشت‌ها که توجیه محکم حقوقی یا سیاسی ندارند منتشر می‌شود، موجب آزردگی و حتی افسردگی و یأس می‌شود. رصد این پیامدها اگر هم صورت گیرد گاهی با هدف پاسخ دادن و مقابله است، نه بررسی آنها با احتمال اینکه شاید حقیقتی در آنها وجود داشته باشد.

مسئله ۲ خبرنگار در آستانه زندان مجدد

با این مقدمه می‌خواهم عرض کنم درحالی که افکار عمومی از اعتراضات مهسا به این سونسبت به‌وضعیت دو خبرنگار حرفه‌ای (خانم‌هانیلوفر حامدی و الهه‌محمدی) حساس شده و قاطبه جامعه روزنامه‌نگاران و انجمن صنفی روزنامه‌نگاران و دیگر نهادها و فعالان صنفی و حقوق بشری نسبت به بازداشت آنان اعتراض داشته‌اند اکنون پس از آزادی آنها سخنگوی محترم قوه قضائیه بدون توجه به آثار منفی سخنش از اجرای حکم این دو سخن می‌گوید. او روز یکشنبه ۲۲ مهرماه ۱۴۰۴ در پاسخ به سوال خبرنگاری که درباره آخرین وضعیت پرونده دو خبرنگار خانم که به حبس محکوم شده‌اند، پرسید، گفت: «این دو متهم بابت ارتکاب فعالیت تبلیغی علیه نظام به تحمل یک سال حبس و بابت ارتکاب اجتماع و تبانی بر ضد امنیت کشور به تحمل پنج سال حبس محکوم شدند. همچنین آن‌ها از ارتکاب همکاری با دولت متخاصم آمریکا در دادگاه تجدیدنظر تبرئه شدند. از بابت اجرای مجازات اشد که مجازات پنج ساله است، پرونده در مورد آن‌ها اعمال و در این خصوص پرونده به اجرای احکام جهت اجرا ارسال شده است.» معنی سخن این بود که به هیچ‌یک از نظرات حقوقی و مطالب منتشرشده در هفته‌های گذشته در این زمینه هیچ اعتنایی نشده، درحالی که به لحاظ حقوقی اشکالاتی بر حکم صادره وارد است:

برخی از ایرادات حقوقی

جز موارد متعدد و مهمی که در لوایح وکلا ذکر شده و بیان آن در این مجال، با موانعی مواجه است.

۱ پیش‌تر مقاله‌مستقلی درروزنامه‌سازندگی، یکشنبه‌یکم‌بهمن‌ماه ۱۴۰۲ درباره بازداشت موقت با موضوع این دو خبرنگار نوشتم و اکنون می‌افزایم درحالی که در قانون اساسی سقف بازداشت، ۲۴ ساعت مقرر شده ولی متاسفانه با وضع قوانین عادی، این اصل مهم قانون اساسی را دور زده‌اند اما حتی در قانون عادی هم سقف یک‌ماه و دوماه برای بازداشت مقرر شده و فقط در موارد بسیار خاص و استثنایی که قطعاً شامل حال متهمانی مانند این دو روزنامه‌نگار نمی‌شود و در مورد جرائم پیچیده و سازمان‌یافته و خشونت‌بار امکان تمدید آن وجود دارد اما چون قانون با هدف انسداد سقف حداکثری بازداشت، گفته است حداکثر بازداشت موقت نمی‌تواند از کمترین حد مجازات بیشتر باشد(مثلاً اگر مجازات جرمی از یک‌سال تا پنج‌سال باشد، سقف بازداشت نمی‌تواند از یک‌سال تجاوز کند.) مطابق ماده ۲۴۲ ماده آیین دادرسی کیفری حداکثر و حداقل مدت زمان قرار بازداشت موقت به شرح ذیل است:

- مدت زمان قرار بازداشت موقت متهم از حداقل مجازات قانونی برای آن جرم نباید تجاوز کند.
- در جرائمی که مجازات آن سلب حیات است، مدت زمان بازداشت موقت حداکثر دوسال است و در جرائم دیگر حداکثر مدت زمان یک‌سال است. اما با کمال تاسف، برخی افراد به‌جای رعایت اصل حقوقی تفسیر قانون به‌نفع متهم، از اصل ضد عدالت تفسیر علیه متهم استفاده کرده و این سقف را که هیچ ربطی به برخی متهمان ندارد معیار قرار می‌دهند و برای اینکه بازداشت طولانی و غیرقانونی را موجه و قانونی جلوه دهند ابتدا اتهامات سنگینی را برای متهم طرح می‌کنند که حداقل مجازات آن بتواند اجازه دهد تا یک‌سال بازداشت را تمدید کنند درحالی که فرد تا زمانی که متهم است مشمول اصل برائت است و نمی‌توان او را مجازات کرد. درحالی که معلوم نیست اساساً اتهامات ثابت شود، نمی‌توان صرف اتهام را دلیلی برای چنین بازداشت طولانی قرار داد به‌ویژه آنکه بعداً مجبور می‌شوند برای دفاع از بازداشت طولانی ناموجه، بر اتهام وارده اصرار بورزند و به این ترتیب باز هم بیشتر و بیشتر از عدالت دور شوند.

۲ اما به‌رغم آنچه در بند یک توضیح داده شد و با همه ناروایی‌ها، بعضی افراد، بازداشت‌شان تا یک‌سال تمدید می‌شود اما در مورد الهه محمدی و نیلوفر حامدی حتی با وجود سپری‌شدن این سقف قانونی باز هم تا ۱۷ ماه در بازداشت ماندند درحالی که حتی یک دقیقه آن خلاف قانون بوده و طبق نص صریح مواد ۵۷۰ و ۵۷۵ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده برای عاملان و آمران نگهداری متهمان در بازداشت، مجازات مقرر شده است. عجیب این است که با وجود اطلاع‌رسانی‌های مکرر وکلا و خانواده آنها درباره پایان سقف قانونی بازداشت، اما مسئولان قضایی هیچ حساسیتی نسبت به موضوع نشان ندادند تا اینکه سرانجام پس از ۱۷ ماه بازداشت آزاد شدند.

۳ نقض بی‌طرفی: غیر از بیانیه‌نهادهای امنیتی که تاثیر قاطعی در جهت‌دهی به پرونده داشت، سایت رسمی قوه‌قضائیه قبل از صدور حکم دادگاه رأی خود را صادر کرد و نوشت: «الهه محمدی و نیلوفر حامدی همکار «سازمان اتحاد برای ایران»، درگیر در پروژه‌های براندازی نرم‌ونقش‌آفرین در اغتشاشات خیابانی ۱۴۰۱ که پروژه‌های محوله را آگاهانه انجام می‌داده‌اند.» این ادعا در حالی بود که نه این سازمان ربطی به براندازی داشته، نه‌مستندی برای چنین ارتباط‌وفعالیتی برای متهمان ارائه‌شده و چنین اتهامی به استناد پرونده‌ای مطرح شده که‌وجود خارجی نداشته‌ومصادیق آن پیش‌تر در شعبه ۳ بازپرسی، مورد رسیدگی قرار گرفته و منجر به قرار منع تعقیب شده بود. سایت میزان در گزارش دیگری نوشت: «همکاری الهه‌محمدی‌ونیلوفر حامدی با پروژه سازمان مرتبط با وزارت امور خارجه آمریکا؛ ماموریت «سازمان اتحاد برای ایران» چه بود؟» و شگفت‌تر از آن، سخنگوی قوه‌قضائیه بود که ۱۰ مردادماه گفت۱۴۰۲: «نیلوفر حامدی و الهه‌محمدی با آمریکا همکاری داشته‌اند.»

۴ درحالی که طبق ماده۱۶۸ ق.آ.ک بازپرس نباید بدون دلیل کافی برای توجه اتهام، کسی را به‌عنوان متهم احضار یا جلب کند اما در موارد فراوانی پس از بازداشت و ضبط گوشی و کامپیوتر افراد، دلایل اتهام را از آن استخراج کرده‌اند و بارها در مطبوعات داخل کشور نسبت به غیر قانونی بودن این رویه به‌عنوان تحصیل دلیل از طریق نامشروع مطالبی منتشر شده است و درباره این دو نیز همین اتفاق افتاده است.

۵ دادگاه بدوی سرانجام به اتهام همکاری با دولت متخاصم آمریکا آنها را به تحمل هفت سال حبس و به اتهام اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم بر ضد امنیت کشور به تحمل پنج سال حبس و به اتهام فعالیت تبلیغی علیه نظام به تحمل یک‌سال حبس محکوم کرد. همچنین به‌عنوان مجازات تکمیلی، به مدت دو سال از عضویت در احزاب، گروه‌ها، دسته‌جات سیاسی و فعالیت در فضای مجازی، رسانه‌ها و مطبوعات و خروج از کشور محروم کرد. این در حالی است که دادگاه موظف بود قبل از آن به بازداشت‌های غیرقانونی رسیدگی کند ولی بدون توجه به آن، حکم خود را صادر کرد. درنهایت چنانکه سخنگوی قوه نیز اعلام کرد، نیلوفر حامدی و الهه محمدی از اتهام همکاری با دولت متخاصم آمریکا در دادگاه تجدیدنظر تبرئه شدند که نقض بیطرفی را مسجل کرد و نشان داد که چرا نباید سایت رسمی قوه در این موارد موضع‌گیری داشته باشد. اما این دو از جهت فعالیت تبلیغی علیه‌نظام به‌تحمل یک‌سال حبس وبابت ارتکاب اجتماع و تبانی بر ضد امنیت کشور به تحمل پنج سال حبس محکوم شدند که قابل اجراست. بسیار مایلم بدانم پاسخ شعبه تجدیدنظر به اشکالات وکلا و موکلان‌شان چه بوده که توانستند این حکم را صادر و پنج سال را ابرام کنند؟ طبق قانون دسترسی آزاد به اطلاعات که مصوب مجلس و شورای نگهبان است و طبق مفاد سند امنیت قضایی، حق شهروندان است که بپرسند و باید پاسخ بگیرند.

۶ رکن مادی و معنوی اتهام مستند به ماده ۶۱۰ قانون مجازات اسلامی درباره اجتماع و تبانی و ماده ۵۰۰ درباره تبلیغ علیه نظام درباره این دو وجود ندارد.

۷ بر فرض وقوع جرم، این حکم، مصداق جرم واحد و تعدد مجازات است و برای یک فعل فقط می‌توان یک عنوان اتهامی مطرح کرد.

۸ این دو نفر درحالی به‌دلیل انتشار عکس و گزارش درباره شادروان مهسا امینی محکوم شده‌اند که پس از انتشار خبر بستری شدن مرحومه خانم مهسا (ژینا) امینی در بیمارستان کسرا که توسط گشت ارشاد دستگیر شده بوده، خانم نیلوفر حامدی با هماهنگی دبیر بخش اجتماعی روزنامه و مدیرمسئول روزنامه شرق، برای تهیه گزارش با روابط عمومی ناجا تماس گرفته و به بیمارستان کسرا می‌رود و با پدر و مادربزرگ مهسا صحبت می‌کند، اما با مخالفت ناجا برای انتشار گزارش، خانم حامدی هیچ گزارش و خبری منتشر نمی‌کند و خانم الهه محمدی نیز به درخواست روزنامه هم‌میهن و مدیرمسئول روزنامه برای تهیه گزارش تشییع اعزام شده است. روز جمعه مورخ ۱۴۰۱/۰۶/۲۵ که متاسفانه خانم مهسا امینی فوت می‌کند، خانم حامدی عکس پدر و مادربزرگ خانم امینی که یکدیگر را در بیمارستان در آغوش کشیده‌اند، در صفحه توئیتر خود منتشر می‌کند. متاسفانه اساس شکل‌گیری پرونده و طرح اتهامی که در بیانیه دو نهاد اطلاعاتی مطرح شد، انتشار عکسی از مرحومه مهسا امینی در حالت کما روی تخت بیمارستان است که مطلقاً ربطی به خانم حامدی نداشته و به عبارتی هسته اولیه شکل‌گیری پرونده مبتنی بر یک ادعای خلاف‌واقع بوده است.

ضرورت منتفی شدن اجرای مجازات الهه محمدی و نیلوفر حامدی

بر فرض اینکه از نظر قضات محترم تجدیدنظر، هیچ اشکالی در این رأی وجود ندارد و همه ما نیز آن را بپذیریم اما قاعده شمول عفو مانع از اجرای حکم است و چنانکه در مقاله کلید قفل پرونده‌های سیاسی و امنیتی (اعتماد، شنبه ۲۷ مردادماه ۱۴۰۳) نوشتم: «این دو اتهام دیگر که مشمول بخشنامه عفو سال ۱۴۰۱ است، بخشنامه در مورد آنها اجرا و پرونده مختومه شود. هر بخشنامه عفوی، مادامی که شرایط آن بر افراد موضوع خود تطبیق کند از نظر حقوقی مشمول مرور زمان نمی‌شود.» از نظر قانونی اگر کسی مشمول عفو شد یعنی واجد شرایط عفو تشخیص داده شد، طبق مواد ۹۶ و ۹۷ و ۹۸ ق.م.ا با اعلام عفو عمومی تعقیب و دادرسی موقوف می‌شود و رکن قانونی جرم از بین می‌رود و نه‌تنها مجازات او بلکه احکام تبعی آن هم ساقط می‌شود و چنین فردی حق آزادی دارد از آنجا که «حق»، «آزادی» و «حق آزادی» مشمول مرور زمان و منقضی نمی‌شود، اگر کسی در عالم واقعی واجد این حق بود اما بعداً تشخیص داده شد این حق درباره او اعمال می‌شود. مشمول مرور زمان نشدن عفو یعنی اگر در ۱۴۰۱ عفوی صادر شد که شامل متهمان و محکومان بود اعم از آنانکه حکم‌شان قطعی باشد یا نباشد و متهمی جزو مستثنیات عفو بود و بعداً از اتهامی تبرئه شد و معلوم شد درواقع آن زمان مصداق آن مستثنیات نبوده، باید فوراً استصحاب کرد. اینجا از جهت دیگر مانند فلسفه قانونی است که اگر به‌نفع متهم باشد عطف به ما سبق می‌شود ولی اگر به زیان او بود عطف به ماسبق نمی‌شود. یکی به‌دلیل اصل تفسیر به‌نفع متهم و دیگری اینکه اگر قانونی، حقی را برای کسی ایجاد کرد ولو اینکه قانون بعد از محکومیت باشد، این حق منتفی نمی‌شود.

خبرسازان

همه‌گیری چاقی در ایران

رئیس انجمن تغذیه بالینی ایران گفته است که همه‌گیری چاقی و عوارض ناشی از آن در کشور با سرعت افزایش شش درصدی در سال، نگران‌کننده است و تا سال ۱۴۱۴ به جایگاه نهمین کشور چاق در جهان می‌رسیم. به گزارش همشهری آنلاین، محمد نوروزی ادامه داد: «دسترسی به غذای سالم و کافی، حقوق اولیه انسان بوده و درواقع جزئی از درمان بیماری است، اما در بیمارستان‌ها به‌دلیل شیوه زندگی ناسالم، با سوءتغذیه برخی افراد مبتلا به بیماری‌های غیرواگیر مواجهیم.» محمدحسن جوانبخت، دانشیار گروه تغذیه سلولی و مولکولی دانشگاه علوم پزشکی تهران هم گفته است: «حدود هشت میلیون مرگ سالانه به فاکتورهای خطر تغذیه‌ای منتسب است و به‌ازای افزایش هر پنج واحد نمایه توده بدنی، خطر مرگ‌ومیر ۳۰ درصد افزایش می‌یابد.» او با بیان اینکه اضافه‌وزن و چاقی، خطر اختلال چربی‌خون و دیابت نوع ۳ را افزایش می‌دهد و بیش از ۲۰۰ عارضه دارد، ادامه داد: «توصیه می‌شود که افراد چاق ۱۵ درصد وزن خود را کاهش دهند.»

مرگ ۱۵ نفر بر اثر مار و عقرب‌گزیدگی

مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت اعلام کرده است که آمار مارگزیدگی در سال گذشته ۹ هزار و ۶۵۱ مورد بوده که ۹ نفر جان خود را از دست داده‌اند. همچنین ۶۳ هزار و ۷۶۰ نفر مورد عقرب‌گزیدگی قرار گرفته و در این زمینه شش‌نفر نیز قربانی شدند. بنابر اعلام این مرکز، آمار مارگزیدگی در سال گذشته ۹ هزار و ۶۵۱ مورد بوده که ۹ نفر جان خود را از دست داده‌اند. همچنین ۶۳ هزار و ۷۶۰ نفر مورد عقرب‌گزیدگی قرار گرفته و در این زمینه نیز شش نفر قربانی شدند. مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت همچنین اعلام کرد که در سال گذشته ۳۸۶ هزار و ۵۲۱ مورد حیوان‌گزیدگی در کشور گزارش شده که از این تعداد، ۱۸ مورد مبتلا به هاری شده‌اند. باتوجه به تقویت سیستم مراقبت و گزارش‌دهی موارد حیوان‌گزیدگی و به موازات آن افزایش موارد هاری حیوانی در ۲۰ سال گذشته در کشور، آمار موارد حیوان‌گزیدگی از ۲۳ هزار و ۶۲۵ مورد (با میزان بروز ۵۶ مورد در صدهزار نفر جمعیت) در سال ۱۳۶۸ به ۳۸ هزار مورد (با میزان بروز ۴۵۳ در صدهزار نفر جمعیت) در سال ۱۴۰۲ افزایش یافته که با اقدامات به‌موقع کاهش یافته است.

حل مشکل رتبه‌بندی بعضی معلمان

سخنگوی وزارت آموزش‌وپرورش خبر داده است که مشکل رتبه‌بندی معلمان بازنشسته سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۲ حل شد و از این ماه حقوق آنها مطابق با رتبه‌بندی واریز می‌شود. علی فرهادی در این باره گفت: «کمتر از ۲۰ هزار معلم بازنشسته، مشمول تغییر رتبه بودند. احکام رتبه‌بندی این گروه از معلمان به‌صورت ناقص صادر شده بود و هم‌اکنون تکمیل شده است و صندوق بازنشستگی کشوری معوقات را با حقوق مهرماه واریز خواهد کرد.» او ادامه داد: «اگر معوقات به حقوق مهرماه نرسید، قطعاً با حقوق آبان‌ماه پرداخت خواهد شد، همچنین معلمانی که به رتبه خود اعتراض کرده بودند، احکام‌شان صادر شده است و مزایای مالی آن را همزمان با بازنشسته‌ها دریافت خواهند کرد.»